

ادب شناسی (۱) «رمان سفر پرنده گان بیبال»

یک اثر ادبی، آفریده بیست از تمامی عوامل جامعه شناسی، روانشناسی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، سنتها، آداب و رسوم، اعتقادات و ایدئالوژیها و در نهایت تمامی عواملی که نویسنده را در بر گرفته اند. کار نویسنده انتزاع پدیده های مشخص و برخورد تجربیدی با این پدیده ها و در نهایت ارایه کلتی مطابق با اهداف تعیین شده برای اثر است.

این روند را اگر معکوس کنیم، میتوانیم به نقد یک اثر ادبی پردازیم، در غیر این صورت در انبوه حوادث، پدیده ها و شخصیتهای اثر، در سطحی ترین نوع برداشت، در شخصیت خالق اثر، گم خواهیم شد و هرگز راه خود را نخواهیم یافت و اثر را نیز نخواهیم شناخت.

رمان «سفر پرنده گان بیبال» دارای ۴۶۵ صفحه و ۱۰۶۲۵ سطر است (۲)؛ دو- سوم کل رمان «گفت» و «گفتگو» در قالب کلام فرهنگ عامه است؛ مانند: تمثیلهای، امثال و حکم، فحش و متلک و قدری ترانه عامیانه که یکی از نقاط قوت رمان، همین گفتهها و گفتگوهاست که ریشه در اعماق فرهنگ عامه دارد و هم این که هیچ گاه بار وظیفه ارتباطهای طرحریزی شده (*Plot relationships*) و بار وظیفه توصیف و چهره پردازی (*Characterization*) را بر عهده ندارد.

«گفت» ها و «گفتگو» ها خود عنصری از عناصر رمان اند و صرفاً بیانگر آواها، ایده ها و شخصیت (*Personality*) قهرمانهای داستان اند، چنین خصیصه یی را از جمله در گفت-گو، های آثار داستایوفسکی میتوان دید.

امروز همه کسانی که کم و بیش به معنای واقعی هنر پی میبرند و از ادبیات به مفهوم صحیح و واقعی آن درک دارند شکی ندارند که داکتر ببرک ارغند، این هنرمند بی ادعا و فروتن که در رفتار و گفتار خود، کوچکترین تصنع و تظاهری ندارد چه از لحاظ شخصیت و چه از جهت آثار گرانبهایی که به وجود آورده است، نویسنده یی به معنای واقعی میشناسند، نویسنده یی که تنها نی در مقیاس افغانستان بل که در مقیاس جهان دارای قدر و قیمت است، در آثار متعدد ارغند، («پهلوان مراد و . . .»، «کفتربازان»، مجموعه داستانهای کوتاه: «شهر شکسته»، «مُرغ آمین»، «و سوم این که»، «سایه»، «کلید هفتم»، «آیینه و خنجر»، «یلدا»، «شراره» و . . .، استحکام فنی و عمیق مضمون، توصیف مختصات اخلاق متداول و رایج زمان، اطلاعات وسیع او درباره آداب، رسوم و مثلها و متلها و افسانه ها و ترانه ها و سرودها و معتقدات گوناگون مردم به او توان این را میدهد که به اعماق تاریک روح اجتماع نفوذ کند و در عین حال جنبه های زشت و غیرانسانی، مبتذل و نفرت انگیز آن را با بیان مؤثر خود در معرض انتقاد قرار دهد، با زبان نافذ و قوی خویش نقاب از روی ریاکاران و ظاهرسازان برمیدارد که کوچکی و حقارت آن ها را بر ایشان نشان میدهد در کتاب «سفر پرنده گان بیبال» به صورت یک مبارز مثبت و امیدوار که تنها یک وظیفه دارد و آن خدمت به مردم است، ظهور میکند، او کسی است که به سوی هیچ چیزی جز به سوی حقیقت نمیروود با وجود صلاحیت کامل علمی و ارزش هنری در مطبوعات طوری که حقش است از او یاد نشده است زیرا نخواست به زبونی و آستانبوسی و چاپلوسی و ریاکاری تن دهد و به آن چیزهای که در نظر او غلط و ظالمانه و زشت باشد، تسلیم شود. او افراد مبتذل امروزی را که اسیر چیزهای عادی و بی مغز و گرفتار قیدها و نظامهای غلط و خودپسندانه است تحلیل میکند، او بشری را دوست دارد که نی تنها از فساد و بل که از ابتذال مبرا باشد او آرزومند یک دنیای زیبا و یک انسان وارسته و ارجمند است و شیفته زیباییست، نی فقط زیبایی طبیعی و جسمانی، بل که زیبایی در کلیه مظاهر عمل و اراده انسان، مثلاً زیبایی در اجتماع و زیبایی در حکومت کردن، ولی ارغند از مردم کشوریست که در آن حتی گوشه یی از آرزوهایش به حقیقت نینجامیده است مع الوصف او هیچ گاه سرخورده و ناامید نبوده و نمیباشد از همین

روست که در رُمان «سفرِ پرنده گانِ بیبال» و در همه آثار هنری اش به صورت یک مبارز مثبت و امیدوار ظاهر شده است، خطا نیست اگر آثار او را به دلیل این که زشتیهای زنده گی عادی محیط را نشان میدهد انتقادی، انتباهی و تربیت کننده بدانیم، او نی تنها معایب عادی و آشکار، بل که معایب آراسته شده و نقاط ضعف و تمام آن خصوصیت‌های ناپسند را که در زیر پوشش عرف و عادت و قیود و رسوم و آداب عصر پنهان است بیرون کرده و آن‌ها را برهنه ساخته انتقاد میکند. او با کسی تعارف ندارد و با تعارف و مجامله به عنوان یک تقلب حيله گرا، مخالف است، قواعد اخلاقی را که برای تسهیل فریبکاری و دوروییست با روشنبینی و بی پروایی انتقاد میکند، هر قرارداد اجتماعی که اساس دورویی باشد را با روشنبینی و با جسارت رد میکند و با فکر بت شکن و آزاده خود از مفهوم جدید انسان و انسانیت با تمام فضایل و مزایای آن دفاع میکند، او به اندازه بی بی تظاهر و فروتن است که هرگز نمیگوید با چه چیز دشمنم و از چه چیز دفاع میکنم، ولی در همه جای آثار او پیداست که منفور کدام و مطلوب چیست! انساندوستی و آشتی ناپذیری با فساد و ابتذال صفت‌هایی که ناشی از روحیه عالی ارغند است و در تمام آثار او پدیدار میباشد، او به تجدد و جنبش تجدد و آزادیخواهی وطن ما با قلم خود و با قدم خود خدمت نموده، با زبان نافذ و قوی پرده از هرچه ریاکار و ظاهر ساز باشد برمیدارد.

در «سفرِ پرنده گانِ بیبال» که تصویری صد در صد واقعی از افراد اجتماع است تک-گویانه کردن (*Monologization*) کار که به قصد تازاندن تخیل و بهره گیری از یک ژانر (۳) ادبی و مقتضیات آن صورت گرفته است نی تنها قابل ایراد نیست بل که نشان از هنرمندی نویسنده دارد، در بررسی حاضر مسأله اصلی این است که ارغند بر اساس چه ساختار ادبی توانسته است دنیایی در «سفرِ پرنده گانِ بیبال» بیافریند که یکی از خصیصه های برجسته آن به گمان غالب هنرمندانه بودن آن است یا به عبارت دیگر ارغند چطور توانسته است به بیانی چنین هنرمندانه از داستانمایه (تم) دست یابد که در داستان نویسی معاصر ما کم نظیر است؟ باید توجه داشت که داستانمایه رُمان ارغند چنانکه، با در نظر داشت این واقعیت که ارغند برخوردار از جهان بینی علمی میباشد، برخورد جدی و انتقادی با خرافات و چیزهای سطحی و اعتقادات عقبمانده

دارد. خطر لغزیدن نویسنده به دخالت و قضاوت سریع در جریان روایت و موضعگیری بلادرنگ، در مقام دارنده ایده دست بالا و در نتیجه تک صدایی کردن یا تک-گویانه کردن کار همیشه او را تهدید میکند، حاصل این عدم دخالت ارغند (که اقتضای «گویه» بیست که او از آن بهره گرفته است) نکته مهم دیگریست یعنی، استقلال شخصیت‌های رمان که سخنگوی این و یا آن ایده نویسنده نیستند، محملی از برای نظر یا ایده نویسنده نیستند، هریک از آنان به لحاظ چهره ظاهری، رفتار و گفتار مستقل اند و خصوصیت‌های خودشان را دارند، گویا بی اجازه قبلی از ارغند در بخشی از مسیر زنده گی شان در تمام صحنه های رمان، در سیر رمان خود مستقل اند و در پلان کار هنری ارغند قرار دارند، در حالی که به شیوه معمول خودشان زنده گی میکنند، از پلان و نقشه نویسنده بیرون شده به زنده گی ادامه میدهند، آنچه در این کار مبتکرانه، آفریدن دنیایی هنرمندانه و بیان هنرمندانه داستان (تم) مایه نامیده شده، استقلال (و در نتیجه، بدیع و جاندار بودن) قهرمانان رمان است، این استقلال در عرصه نقشه هنری نویسنده در تمامی صحنه ها در سیر رمان، هنرمندانه ترسیم شده اند و نشان میدهد که اطلاعات وسیع درباره آداب، رسوم و مثلها و افسانه های مردم و معتقدات گوناگون آن ها با بهره گیری از کمپوزیسیون پاره بندی و انشأ هنر ادبی و سبک عالی توانسته است یکی از بزرگترین اثر خود و یکی از منسجم ترین داستانهای بلند فارسی را به لحاظ ساخت، زبان روایت و زنده بودن شخصیت‌های رمان بیافریند باز نمودن وضعیت و حالت‌های نامعمول تمام قهرمانان رمان، گلاب، شیر، ستار، لالا ستار، مشتاق، بچه ملک، بچه ضابط، آصف سنگ کش، یعقوب آغا، عتیقه، طلعت، نازنین، نیلوفر و زنان یعقوب آغا، در کنار هم قرار گرفتن در رابطه شان، حالت‌های غیرعادی اخلاقی و روانی و رابطه عتیقه و طلعت و دو دختر دیگر و یا یعقوب آغا و حالت‌های گلاب و عتیقه و رابطه طلعت با آن ها، رابطه مشکوک جنسی طلعت با یعقوب آغا، خیال پختن لجام گسیخته، خواب‌های غیرعادی، هواهای نفس تا به سرحد جنون، شهوانیت یعقوب آغا، رابطه جنسی هم زمان با چند زن و جز این ها، این پدیده ها یکپارچه گی ژانر و کمپوزیسیون نحوه های پاره بندی «حماسه» یی و «تراژیدی» یی یک شخص داستانی و تقدیر او را تخریب میکند، یعنی احتمال ظهور یک شخصیت

دیگر و یک زنده گی دیگر در همان شخص داستانی (ستار، طلعت و گلاب) در «سفرِ پرنده گانِ بیبال» مغایرتها (کنتراستها) جدی و ترکیبهای ناسازگار (*Oxymoron*) مثلاً: (دردِ بیدردی، رنگِ بیرنگی) خصلتِ عقیفِ زندهای رُمان، انحطاطهای اخلاقی و تطهیرِ نفسها، تعدادی از شخصیت‌های داستان دارای یک یا چند نوع انحطاط اخلاقی اند، اما همه گی عبادت هم میکنند (یعقوب آغا، صوفی پدر و صوفی داود، ستار و ... شخصهای داستانی که در بامِ کفترخانهٔ بچهٔ ملک و افرادی که در قشلهٔ عسکری هستند، انواع و اقسام ازدواجهای ناشاد و نادرست، اقرارِ ازدواجِ طلعت با صوفی داود، ازدواجهای یعقوب آغا، ازدواجِ گلاب و طلعت.

رُمان سرشار است از کنایه به رویدادهای بزرگ و کوچک، مسیرهای تازهٔ تحول و نشان دادنِ سنخهای نوظهور در همهٔ لایه های اجتماع.

ما که از جمله کسانی هستیم که هنرِ درخشان ارغند را با تحسین تلقی کرده ایم و جداً تحت تأثیر آن قرار گرفته ایم، آرزومندیم که کامیابی او در عالم هنر و اجتماع مضاعف شود و در راهِ سعادت مردم افغانستان که سعادت واقعی خود او است، جایگاهش و نقشش بیش از پیش مؤثر گردد.

زیرنویس و توضیحات:

۱- *Poetics* سبک شناسی، ادب شناسی بنابر تعریف فرهنگ ادبی اکسفورد؛

۲- سفرِ پرنده گانِ بیبال، داکتر ببرک ارغند، تابستان ۱۳۸۶خ.؛

۳- *genre* (کلمهٔ فرانسه یی) ژانر، گونهٔ ادبی، اصطلاحی در ازای یک سنخ، یک نوع یا یک گروه پاره بندی و انشأ (کمپوزیسیون) یک ژانر ادبی، دسته یی مشخص و دیرینه از آثار نوشته شده، که با به کار بردن قاعده های مشترکی خواننده گان یا بیننده گان

را از عوضی گرفتن آن (دسته مشخص و دیرینه) به جای دسته دیگر باز خواهد داشت. سردرگمی زیاد پیرامون این اصطلاح (= گونه-ژانر) به سبب این واقعیت است که این اصطلاح، به طور هم زمان برای تقریباً همه سبکهای اساسی هنر ادبی به کار برده میشود.

www.ayenda.org